

بررسی راهکارهای پیشگیرانه در کاهش نرخ طلاق با رویکرد تقنینی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۵ محمدحسین باقری فرد *

جواد ابراهیمی ** / جواد دلاوری ***

چکیده

طبق آمارهای منتشرشده از مراجع رسمی، دعاوی حوزه خانواده، به‌ویژه نرخ طلاق در کشور رشد صعودی دارد. این در حالی است که در آموزه‌های دینی، طلاق امری مذموم شمرده شده است؛ لذا حکومت دینی نمی‌تواند به این موضوع بی‌توجه باشد. در این بین، مجلس شورای اسلامی به‌عنوان یک نهاد تقنینی نقش بسزایی در کاهش نرخ طلاق می‌تواند ایفا نماید. تحقیق حاضر با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه‌های عمیق با صاحب‌نظران حوزه خانواده، وکلا، مشاوران، قضات دادگاه خانواده و ... به دنبال ارائه راهکارهای تقنینی کاهش نرخ طلاق است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که ارائه آموزش‌ها و مشاوره‌های پیش از ازدواج منجر به تحکیم خانواده و کاهش دعاوی خانواده، به‌خصوص در سال‌های اول زندگی می‌شود. با توجه به نقش مؤثر مشاوره‌ها و آموزش‌های مهارت‌های پیش از ازدواج در کاهش اختلافات خانوادگی و به تبع آن، کاهش نرخ دعاوی خانوادگی به‌ویژه طلاق، لازم است گذراندن دوره‌های مشاوره و آموزش پیش از ازدواج برای زوجین الزامی شود.

*. عضو هیئت علمی موسسه آموزش عالی طلوع مهر (bagherifard@tolouemehr.ac.ir)

** . دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق، دانشگاه مذاهب اسلامی و پژوهشگر حوزه زن و خانواده،

(ebraimi9@gmail.com)

*** . دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته رسانه، دانشگاه صداوسیما.

ازسوی دیگر مواد ۱۶ و ۱۷ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۲، تأسیس «مراکز مشاوره خانواده» را پیش‌بینی نموده؛ اما طبق ماده ۲۵ این قانون، ارجاع به مراکز مشاوره صرفاً در مورد طلاق‌های توافقی الزامی است؛ لذا براساس قانون مذکور، الزامی برای آموزش‌های پیش از ازدواج در نظر گرفته نشده است. درحالی‌که آموزش مهارت‌های زندگی مشترک قبل از ازدواج، تأثیر بیشتری در تحکیم خانواده و کاهش نرخ طلاق خواهد داشت.

واژگان کلیدی: آموزش پیش از ازدواج، طلاق، تقنین، خانواده، مشاوره ازدواج

مقدمه

زنان سرپرست خانوار از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی هستند که با مشکلات و موانع زیادی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی خویش مواجه هستند. با لحاظ مشکلات و مسائل شهرنشینی در شهرهای بزرگ و عدم توجه به رفع معضلات خانوارهای زن‌سرپرست، این گروه می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر جامعه وارد سازند. در جوامع مختلف، بسته به الگوهای فرهنگی خاص جامعه، با توجه به نقش‌های مختلف زنان در خانواده، تعاریف متفاوتی برای زنان سرپرست خانوار وجود دارد. به همین جهت تعریف واژه زنان سرپرست خانوار تا حدودی دشوار است؛ زیرا در برخی از خانواده‌ها علی‌رغم حضور مرد بزرگسال در خانواده، زنان نان‌آور خانواده هستند و عملاً خانواده توسط آنان سرپرستی می‌شود (بختیاری و محبی، ۱۳۸۵: ۱۵). از این بیان معلوم می‌گردد ملاک اصلی در تعریف زنان سرپرست، ملاک اقتصادی و توانایی تأمین هزینه‌های مادی خانواده است. بر این مبنا، از جمله زنان سرپرست خانوار می‌توان از این گروه‌ها نام برد: زنانی که به دلیل فوت همسر یا طلاق، بیوه شده یا دخترانی که به سن مجرد قطعی رسیده‌اند، زنانی که به دلیل ناتوانی سرپرست مرد، متکفل تأمین معاش زندگی شده‌اند و ...

بخشی از آسیب‌ها و مشکلات زنان مطلقه با دیگر گروه‌های سرپرست خانوار مشترک است؛ اما این گروه از زنان، آسیب‌پذیرتر از دیگر گروه‌ها هستند. براساس آمارهای سازمان ثبت احوال کشور، چهارده درصد از کل طلاق‌ها در سال اول زندگی مشترک و پنجاه درصد از آن نیز در پنج سال اول زندگی زوجین رخ می‌دهد. افزایش تعداد زنان مطلقه و پایین بودن سن آنان به خودی خود باعث بروز مشکلات عدیده‌ای در جامعه می‌شود که توجه بیش‌ازپیش مسئولان امر را برای کاهش آثار و پیامدهای طلاق می‌طلبد؛ چه برای خود کسانی که به واسطه طلاق، مجرد را تجربه می‌کنند و چه برای دیگران و جامعه.

۱. بیان مسئله

همان‌طور که بیان شد، طبق آمارهای منتشرشده از مراجع رسمی، دعاوی حوزه خانواده، به‌ویژه نرخ طلاق در کشور رشد صعودی داشته است. این در حالی است که در آموزه‌های دینی، طلاق امری مذموم شمرده شده؛ چنان‌که پیامبر اکرم می‌فرمایند: «طلاق مغضوب‌ترین حلال نزد خداوند است» (پاینده، ۱۳۸۲: ۱۵۷).

بنابراین حکومت دینی نمی‌تواند به این موضوع بی‌توجه باشد و باید از ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و ... به وظایف و مسئولیت‌های خود در قبال این موضوع عمل نماید. دراین‌بین مجلس شورای اسلامی به‌عنوان یک نهاد تقنینی نقش بسزایی در کاهش نرخ طلاق می‌تواند ایفا کند. براین‌اساس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی، به‌عنوان بازوی پژوهشی مجلس شورای اسلامی، پروژه تدوین قانونی درخصوص آموزش قبل از ازدواج را در دستور کار خود قرار داد و محققان پس از چندین ماه مطالعات و بررسی‌های میدانی، پیش‌نویس طرحی قانونی با عنوان «الزامی‌شدن آموزش قبل از ازدواج» را تدوین کردند. مقاله حاضر برگرفته از نتایج پروژه مذکور می‌باشد. لذا مسئله اصلی تحقیق حاضر این است که باتوجه به اینکه وظیفه ذاتی مجلس شورای اسلامی، قانونگذاری است، چه راهکارهای قانونی جهت کاهش نرخ طلاق می‌توان ارائه نمود؟

۲. ضرورت بحث

افزایش روزافزون طلاق، به‌ویژه در شهرهای بزرگ و کم‌شدن فاصله میزان ازدواج‌های ثبت‌شده در برابر طلاق‌های گسترده، این هشدار را هم به خانواده‌ها و هم به مسئولان می‌دهد که درصورت نداشتن برنامه‌ریزی مناسب در برابر این معضل، در آینده‌ای نه‌چندان دور، شاهد آسیب‌های فراوان خواهیم بود؛ از افزایش فرزندان طلاق گرفته تا شکل‌گیری جرائم گسترده و بزهکاری‌های آشکار و پنهان که این مسائل و معضلات، امنیت روانی و اجتماعی جامعه را به مخاطره می‌اندازد. ازسوی دیگر باتوجه به ابلاغ سیاست‌های کلی خانواده از سوی مقام معظم رهبری در

سال ۱۳۹۵، یکی از اقدامات مؤثر در راستای تحکیم و تعالی خانواده، ساماندهی نظام مشاوره‌ای و آموزش قبل، حین و پس از تشکیل خانواده و تسهیل دسترسی به آن براساس مبانی اسلامی - ایرانی در جهت استحکام خانواده و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و عوامل تزلزل نهاد خانواده، به‌ویژه موضوع طلاق و جبران آسیب‌های ناشی از آن با شناسایی مستمر عوامل طلاق و فروپاشی خانواده و فرهنگ‌سازی کراهت طلاق است؛ بنابراین بحث در باب ضرورت مسئله و واکاوی علل آن و برنامه‌ریزی در جهت کاهش نرخ طلاق، قطعاً مؤثر خواهد بود.

۳. روش تحقیق

تحقیق براساس نوع جهت‌گیری، سه دسته است: «بنیادی»، «کاربردی» و «ارزیابی». همچنین اهداف پژوهش به سه شکل «اکتشافی»، «توصیفی» و «آزمون فرضیه» تقسیم می‌شود.

پژوهش حاضر، براساس جهت‌گیری، بنیادی، و بر مبنای اهداف، اکتشافی است و به همین دلیل فاقد فرضیه است. ماهیت تحقیق نیز کیفی است. پژوهش کیفی یکی از بهترین شیوه‌های تحقیقی برای مطالعه پدیده‌های اجتماعی و انسانی است؛ زیرا در این شیوه، محقق به‌طور ملموس و محسوس و واقعی مسائل را دریافته و آنها را تحلیل می‌کند. عدم وجود ساختار و چارچوب‌های از قبل تنظیم‌شده، در پژوهش کیفی نوعی انعطاف‌پذیری ایجاد می‌کند. در این نوع پژوهش، محقق آزادانه قادر است به نشانه‌ها و رخداد‌های اتفاقی توجه کند و این توجه آزاد، او را به مسیرهای جدیدی در تحقیق رهنمون می‌شود (عبداللهی، ۱۳۸۷: ۷۴). باتوجه به گستردگی حوزه بررسی و نیز ماهیت اکتشافی و ابداعی تحقیق، گردآوری اطلاعات از طریق مطالعه و بررسی اسناد (شامل اسناد کتابخانه‌ای، مقالات، پایان‌نامه‌ها، پایگاه‌های اینترنتی و نمایه و نرم‌افزارهای علمی) انجام شد. به‌منظور مفهوم‌سازی و افزایش خلاقیت و نوآوری و نیز تجمیع ایده‌ها، از نظر خبرگان و استادان حوزه زن و خانواده و مسئولان دستگاه‌های اجرایی مرتبط نیز استفاده گردید.

۴. آسیب‌ها و مشکلات پس از طلاق

فقدان همسر و تنهایی پس از طلاق موجب می‌شود بیشتر زنان پس از جدایی، به ناراحتی‌های روحی و جسمی دچار شوند و همچنان نیازهای عاطفی خود را در شوهر قبلی خویش جستجو کنند. کمبود معاشرت و تفریح به علت مسائل شهرنشینی در کلانشهرها، مشکلات عاطفی زن را می‌افزاید (فرجاد، ۱۳۷۲: ۱۶۳).

البته مشکلات روحی پس از طلاق به مراتب بیش از صدمات جسمانی آن می‌باشد. بعد عاطفی طلاق علی القاعده برای زن و مرد مساوی است، مگر شرایط دیگری آن را تغییر دهد. لذا احساس خسارت بیشتر توسط زن در مسئله طلاق، به دوگانگی موقعیت اجتماعی و اقتصادی زن و مرد در جامعه بازمی‌گردد. زن مطلقه به علت عدم استقلال اجتماعی فاقد پایگاه اجتماعی معینی بوده و به خانواده پدر یا برادر وابسته است. تفاوت زن و مرد در ازدواج مجدد پس از طلاق نیز به موقعیت اجتماعی - اقتصادی متفاوت آنها بازمی‌گردد. در واقع طلاق یک تهدید اجتماعی - اقتصادی برای زن محسوب می‌شود (اورعی، ۱۳۶۶: ۶۴). بنابراین مشکلات زنان در ابعاد مختلف پس از طلاق، بیش از مردان می‌باشد. بسیاری از زنان مطلقه به علت تجربه تلخی که در زندگی اول خود داشته‌اند، دیگر حاضر نیستند تن به ازدواج دوم دهند. از این‌رو زنان مطلقه معمولاً نسبت به مردانی که متارکه نموده‌اند، کمتر ازدواج مجدد می‌کنند. از جمله علل اجتماعی این وضعیت، وجود فرزندان، بالا رفتن سن زن و عدم ازدواج مردان با زنان مطلقه می‌باشد. البته این امر به علل عاطفی، مانند شکست در ازدواج قبلی و عدم تمایل برای ازدواج و نیز عدم اعتماد مردان به موفقیت زنان مطلقه در زندگی زناشویی و عدم روحیه مناسب جهت آغاز زندگی جدید بازمی‌گردد (فرجاد، ۱۳۷۲: ۱۶۵). در فرهنگ ایرانی زنان مطلقه برای ازدواج، از اعتبار کمتری برخوردارند و مردان ازدواج‌نکرده کمتر به سراغ آنها می‌روند و در اغلب موارد مردانی که زنان خود را از دست داده یا همسر خود را طلاق داده‌اند، به خواستگاری آنها می‌آیند. در این شرایط زن مطلقه دیگر نمی‌تواند آزادانه حق انتخاب داشته باشد و سطح توقعات او از طرف مقابل، بسیار تنزل می‌کند و بسیاری از شرایط ناگوار را به اجبار پذیرا می‌شود؛ زیرا در غیراین صورت برای همیشه تنها خواهد ماند (حسینی، ۱۳۷۷: ۲۶۴).

از آنجاکه یکی از کارکردهای خانواده، ارضای تمایلات جنسی است، با فروپاشی خانواده، فرد با فقدان ارضای جنسی مواجه می‌شود (ویلیام، ۱۳۵۲: ۲۶۵). چنانچه فرصت ازدواج و تمتع جنسی از طریق مشروع میسر نشود و فرد چنین نیازی را به دلیل تجربه جنسی قبلی شدیدتر از گذشته احساس نماید، به سوی انحرافات جنسی و فساد اخلاقی کشیده می‌شود. احتمال وقوع این شرایط به‌ویژه زمانی که فرد با مشکلات اقتصادی و تأمین معاش دست‌به‌گریبان باشد، شدت می‌یابد و فرد مطلقه را به‌سوی مفساد مالی و اخلاقی سوق می‌دهد (محبی، ۱۳۸۰).

از دیگر مشکلات زنان مطلقه سرپرست خانوار، چالش‌های ایفای نقش مضاعف است؛ یعنی زنانی که سرپرستی فرزندان را قبول کرده‌اند، هم باید مادر باشند و هم پدر. البته این مشکل برای مردانی که سرپرستی فرزند را قبول کرده‌اند نیز وجود دارد؛ یعنی هم باید نقش مادری را ایفا کند و هم پدری را. ازسوی دیگر طلاق و جدایی والدین از عمده‌ترین علل بیماری روانی کودکان است. پیامدهای طلاق یا تأثیر طلاق در پدیده‌های روانی و اجتماعی کودکان را می‌توان به‌طور اختصار چنین برشمرد: بزهکاری کودکان و نوجوانان، بروز ناهنجاری‌های اجتماعی - مانند استفاده از کودکان در توزیع مواد مخدر و دیگر فعالیت‌های غیرمجاز - ایجاد بدبینی نسبت به ازدواج و ... مجموعه این مطالب بیانگر این است که باید سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط در جهت توانمندسازی، حل یا کم شدن مشکلات زنان سرپرست خانوار اقدام جدی کنند.

۵. بررسی روند سیاستگذاری‌های پس از انقلاب در مواجهه با معضل طلاق

پس از انقلاب به تدریج و با افزایش آمار طلاق، مسئولان به فکر چاره‌اندیشی افتادند. در اولین گام و با رویکرد درمانی، سازمان‌های حمایتی مانند بهزیستی و کمیته امداد حضرت امام (ره) مکلف شدند زنان سرپرست خانوار را تحت پوشش حمایتی خود قرار دهند، از حمایت‌های مالی مستقیم تا توانمندسازی آنان و ... ازجمله این اقدامات می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

عنوان اقدام	سال تصویب	محورهای صلی
قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست	۱۳۶۲	تضمین بیمه و رفاه زنان و کودکان بی سرپرست
قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست	۱۳۷۱	حمایت‌های مالی، مقرری نقدی و غیرنقدی، ارائه خدماتی نظیر خدمات آموزشی کاریبی، آموزش حرفه‌وفن جهت ایجاد اشتغال، به‌وجود آوردن زمینه ازدواج و تشکیل خانواده و ...
قانون اصلاح ماده (۹) قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت	۱۳۷۵	کمک‌هزینه عائله‌مندی به مستخدمان زن که دارای همسر نباشند یا همسر آنان معلول و ازکارافتاده باشد و خود به‌تنهایی متکفل مخارج فرزندان هستند
قانون تشویق احداث و عرضه واحدهای مسکونی استیجاری	۱۳۷۷	اولویت دادن به زنان سرپرست خانوار
قانون افزایش پوشش توانبخشی و حمایتی معلولان و زنان سرپرست خانوار توسط سازمان بهزیستی کشور	۱۳۸۷	اختصاص اعتبارات نقدی
قوانین بودجه و برنامه‌های توسعه	-	اولویت دادن به زنان سرپرست خانوار
قانون ساختار نظام جامع رفاه تأمین اجتماعی	۱۳۸۳	رعایت تأمین اجتماعی ازراه‌ماندگی، بی سرپرستی، و آسیب‌های اجتماعی

جدول شماره ۱: سیاست‌های اتخاذشده پس از انقلاب در مواجهه با معضل طلاق

در گام دوم، قانونگذار به این نتیجه رسید که هزینه‌های حمایتی از آسیب‌دیدگان طلاق رو به فزونی است؛ لذا به سمت اقدامات پیشگیرانه قدم برداشت که می‌توان از آن به پیشگیری فرایندی تعبیر نمود. به عبارت دیگر سیاست‌ها و قوانینی با هدف سخت‌تر و طولانی‌تر نمودن فرایند طلاق تدوین شد تا اگر شخصی بر اثر هیجانات زودگذر تصمیم به طلاق گرفت، منصرف شود. به همین دلیل در تاریخ ۱۳۷۱/۰۸/۲۸ قانون «اصلاح مقررات مربوط به طلاق» توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شد. براساس این قانون، زوجین متقاضی طلاق علاوه بر رجوع به دادگاه مدنی خاص، ملزم به ارجاع به حکمیت نیز شدند.

سیاست فوق، تاحدی موفق بود و توانست برخی از متقاضیان طلاق را منصرف کند؛ اما اولاً میزان موفقیت، قابل توجه نبود و دوم، عمده کسانی که به علت سخت‌تر شدن فرایند طلاق، از طلاق منصرف شدند، دچار طلاق عاطفی شدند. بنابراین آمار طلاق متوقف نشد، بلکه با سرعت بیشتری ادامه یافت؛ به ویژه پدیده طلاق‌های توافقی درصد بیشتری به خود اختصاص داد و از آنجاکه در طلاق‌های توافقی نیاز به حکمیت نیست، آمار طلاق افزایش یافت. از این رو در گام سوم، قانونگذار با تصویب قانون حمایت از خانواده در سال ۱۳۹۱، دادگاه‌ها را ملزم ساخت متقاضیان طلاق‌های توافقی را به مشاوره قبل از طلاق ارجاع دهد؛ یعنی ماهیت پیشگیری، محتوایی‌تر شد. بررسی‌های میدانی و مصاحبه محققین با مشاوران مستقر در این مراکز مشاوره، کارآمدی نسبی این مشاوره‌ها را اثبات کرد. به گفته مشاوران، بین بیست تا سی درصد از پرونده‌های ارجاعی، به سازش منتهی شد. با وجود این همواره راه فرار از قانون وجود دارد و برخی از زوجین با تبدیل صوری طلاق توافقی به غیرتوافقی، از سد مشاوره گذر کرده و سریع‌تر فرایند طلاق را طی کردند.

مسیری که قانونگذاری پس از انقلاب در موضوع طلاق پیموده را می‌توان در نمودار زیر مشاهده نمود:

مرحله	قانون وضع شده	رویکرد قانونگذاری
گام اول	حمایت از آسیب دیدگان طلاق	درمانی
گام دوم	الزام به مراجعه به دادگاه خاص و حکمیت	پیشگیری فرایندی
گام سوم	الزام به مشاوره در طلاق های توافقی	پیشگیری محتوایی

جدول شماره ۲: سیر قوانین و رویکردهای پس از انقلاب درخصوص معضل طلاق
متأسفانه تمام قوانین و رویکردهای فوق، هرچند در حد خود مثمر بود، اما نتوانست رشد نرخ طلاق را متوقف کند.

۶. آسیب شناسی خط مشی های تدوین شده

به نظر می رسد تمایل به نتیجه گیری در کوتاه مدت و حل سریع مشکل، علت عدم موفقیت قوانین تدوین شده بود. حتی رویکردهای به ظاهر پیشگیرانه نیز درواقع نوعی درمان است تا پیشگیری؛ چراکه آن نوع از پیشگیری مؤثر است که از تحلیل های سطحی گذر کرده و ریشه های عمیق تر موضوع را ببیند. به طور مثال، مرد یا زنی که تقاضای طلاق می کند، به ویژه اگر طلاق توافقی باشد، به درجه ای از انزجار نسبت به یکدیگر رسیده اند که حتی سخت تر نمودن فرایند طلاق یا مشاوره هم نمی تواند آنها را از تصمیم خود منصرف سازد و آمار نیز مؤید این مطلب است. لذا تمرکز بر درمان به جای پیشگیری، علت ناموفق بودن سیاست گذاری ها در موضوع طلاق بود.

۷. ضرورت تقدم رویکردهای پیشگیرانه بر درمانی

البته همان طور که بیان شد، این بدین معنا نیست که به رویکردهای درمانی نیاز نیست، بلکه از منظر آموزه های دینی اولویت اصلی باید رویکردهای پیشگیرانه باشد و حتی اگر اتحاد رویکرد درمانی در دستور کار باشد، باید براساس آموزه های دینی باشد؛ چنان که در دیگر موضوعات مانند امور جرایم و بزه دیدگی نیز تلاش دولت ها بر از بین بردن زمینه های جرم و جنایت متمرکز است. به عبارت دیگر سیاست جنایی را که مجموعه ای از اقدامات پیشگیرانه در جهت از بین بردن جرم و جنایت است، با

تکیه بر پیشگیری کنشی (پیشگیری قبل از وقوع جرم و جنایت و با پیش‌بینی‌های صحیح) معنا می‌کند؛ اما پیشگیری واکنشی اقدامی پسینی محسوب شده و بالطبع کم‌اثرتر است. معضل طلاق به واسطه آثار مستقیم و غیرمستقیمش بر جامعه، می‌تواند با همین نگاه در منظومه سیاست جنایی تعریف و برنامه‌ریزی شود.

۲.۱. آموزش قبل از ازدواج، مصداقی از رویکرد پیشگیری

دین به‌عنوان یک مجموعه که با هدف تعالی‌بخشی به زندگی فردی و اجتماعی شکل گرفته، ازدواج را یکی از مسائل مهم انسان معرفی کرده و توصیه‌های خود را در جهت یک زندگی پابرجا و برخوردار از عواطف انسانی ارائه نموده است. به‌طور مثال در سوره نور آیات متعددی با هدف خط‌مشی‌دهی به مسئله ازدواج آمده است که با کنار هم گذاشتن آنها می‌توان نگاه انسانی را در آن یافت.

«الْحَبِیْثَاتُ لِلْحَبِیْثِیْنَ وَ الْحَبِیْثُوْنَ لِلْحَبِیْثَاتِ وَ الطَّیِّبَاتُ لِلطَّیِّبِیْنَ وَ الطَّیِّبُوْنَ لِلطَّیِّبَاتِ اُولَئِكَ مُبَرَّؤْنَ مِمَّا یَقُولُوْنَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ کَرِیْمٌ»^۱ (نور: ۲۶)

«وَ لَیْسَتُغْفَبِ الَّذِیْنَ لَا یَجِدُوْنَ نِكَاحًا حَتّٰی یُغْنِیَهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ»^۲ (نور: ۳۳)

«وَ اَنْکَحُوا الْاَیَامٰی مِنْکُمْ وَ الصَّالِحِیْنَ مِنْ عِبَادِکُمْ وَ اِمَائِکُمْ اِنْ یَكُوْنُوْا فُقَرَاءَ یُغْنِیْهِمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِیْمٌ»^۳ (نور: ۳۲)

در روایات متعدد بر اهمیت ازدواج و موضوعات وابسته به آن تأکید شده است. به‌طور مثال رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «أَبْهَأُ النَّاسِ إِبَّاکُمْ وَ حَضْرَاءُ الدِّمَنِ»^۴ قیل

۱. زنان پلید برای مردان پلیدند و مردان پلید برای زنان پلید و زنان پاک برای مردان پاکند و مردان پاک برای زنان پاک. اینان از آنچه درباره ایشان می‌گویند، برکنارند. برای آنان آمرزش و روزی نیکو خواهد بود.

۲. و کسانی که [وسيله] زناشویی نمی‌یابند، باید عفت ورزند تا خدا آنان را از فضل خویش بی‌نیاز گرداند.

۳. بی‌همسران خود و غلامان و کنیزان درستکاران را همسر دهید. اگر تنگدستند، خداوند آنان را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد کرد و خدا گشایگر داناست.

۴. منظور از دمن، لجنزاری است که فضولات حیوانات در آن جمع می‌شود.

يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا خَضِرَاءُ الدِّمَنِ؟ قَالَ الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنْبِتِ السَّوْءِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ص ۳۳۲).

امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: «إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ لِحَمَالِهَا أَوْ مَالِهَا وَكِلَإِلَى ذَلِكَ وَ إِذَا تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا رَزَقَهُ اللَّهُ الْجَمَالَ وَ الْمَالَ» (همان).

علاوه بر توصیه‌هایی مانند داشتن اخلاق نیک در خانه، کمک به همسر و مانند آن که در افزایش علاقه زوجین به یکدیگر مؤثر است، روایات بسیاری نیز درخصوص آموزش نحوه صحیح روابط زناشویی وارد شده؛ موضوعی که بحث از آن در جامعه همواره با نوعی حیا مواجه است. در مصاحبه با صاحب‌نظران حوزه خانواده، وکلا، قضات و مشاوران خانواده، این نکته همواره مورد تأکید قرار می‌گرفت که علت اصلی بسیاری از طلاق‌ها، عدم رضایت جنسی زوجین از روابط زناشویی است؛ هرچند زوجین در ظاهر علت‌های دیگری مانند مسائل اقتصادی و دخالت خانواده‌ها را علت طلاق ذکر می‌کنند.

بیشتر زوجین بدون کسب مهارت‌های زندگی مشترک، به‌ویژه در مسائل زناشویی، زندگی خود را آغاز می‌کنند؛ درحالی‌که به‌طورکلی آموزش قبل از هر کاری در موفقیت آن نقش بسزایی دارد. در روایات نیز مسئله آموزش بسیار مورد تأکید بوده است. امام علی (ع) می‌فرماید: «یا کمیل، ما من حرکه أَلَا و انت محتاج فیها الی معرفة؛ ای کمیل، هیچ حرکتی (و کاری) نیست، جز اینکه در آن به شناختی نیازمندی» (حکیمی، ۱۳۸۰: ۶۲). موضوع مورد بحث این مقاله در باب آموزش‌های پیش از ازدواج نیز می‌تواند در این قالب بگنجد. به‌عبارت‌دیگر نمی‌توان وارد دوره مهم «تشکیل خانواده» شد، بدون اینکه آموزش‌های لازم در باب مهارت‌های آن را فراگرفت.

۷.۲. آموزش و مشاوره قبل از ازدواج، راهکار اصلی کاهش نرخ طلاق

بخش اعظم زندگی بسیاری از افراد معطوف به همسری و وظیفه پدری و مادری است. آگاهی و شناخت کافی از مهارت‌های مرتبط با این نقش اساسی، ضروری است. این در حالی است که متأسفانه یکی از مشکلات کنونی جامعه و دغدغه‌های موجود، حاکی از عدم شناخت کافی خانواده‌ها از مهارت‌های زندگی، وظایف شخصی و عدم توجه به بحث آموزش و مشاوره در حوزه خانواده است.

حال باید توجه نمود، یکی از راهکارهای تحکیم، تعالی، سالم‌سازی، افزایش اطلاعات و مهارت‌افزایی جامعه و خانواده‌ها، آموزش مهارت‌های زندگی است که در سطوح مختلفی می‌تواند ارائه شود؛ مانند مدارس، دانشگاه‌ها، دوره خدمت سربازی و از همه مهم‌تر، آستانه ازدواج برای متقاضیان ازدواج.

هرقدر در یک جامعه آموزش و مشاوره خانواده‌ها جدی گرفته شود، به‌طور قطع مشکلات خانواده‌ها کاهش خواهد پیدا کرد؛ زیرا باتوجه به نظر بسیاری از کارشناسان، درصد قابل‌توجهی از مشکلات خانواده‌ها نشئت‌گرفته از ناآگاهی و عدم آشنایی با مهارت‌های زندگی است. به‌عبارت‌دیگر بین آموزش و مشاوره و کاهش طلاق رابطه مستقیمی وجود دارد. تحقیقات نیز این موضوع را تأیید می‌کند. در بسیاری از تحقیقات دراین‌خصوص نیز رابطه مستقیمی میان آموزش پیش از ازدواج و افزایش استحکام خانواده از یک‌سو و کاهش نرخ طلاق از سوی دیگر تأیید شده است.^۱

۱. برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف) جعفری، علیرضا، (زمستان ۱۳۸۸)، «بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی پیش از ازدواج بر افزایش رضایت زناشویی پس از ازدواج»، فصلنامه علوم رفتاری، دوره ۱، شماره ۲.

ب) آقاجانگللو، سوسن و دیگران، (بهار ۱۳۹۲)، «بررسی رابطه کلاس‌های آموزش پیش از ازدواج و استحکام خانواده از دیدگاه زوجین در شهر بوشهر»، فصلنامه علوم اجتماعی - دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شوشتر - مصوب دانشگاه آزاد، سال ۷، پیاپی ۲۰.

ج) لعل‌بخش، پونه و دیگران، (زمستان ۱۳۹۰)، «بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های پس از ازدواج بر افزایش رضایت زناشویی زوجین»، علوم رفتاری، دوره ۳، شماره ۱۰.

به یقین اگر بحث آموزش و مشاوره اجرایی شده و جدی گرفته شود، آمار طلاق به شدت کاهش خواهد یافت. حتی در نظر برخی از کارشناسان حالت مطلوب در بحث آموزش و مشاوره، این است که هر فرد از بدو تولد باید یک دفترچه سلامت خانواده داشته باشد و به صورت دوره‌ای زیر نظر یک کارشناس باشد تا در زمان‌های مختلف، آموزش‌ها و مهارت‌های مورد نیاز را کسب کند. همچنین در کنار این، هر خانواده باید زیر نظر یک کارشناس باشد؛ یعنی همان‌طور که پیشنهاد طرح پزشک خانواده برای حفظ سلامت جسم خانواده‌ها اجرا شد، می‌توان طرح مشاور خانواده را نیز برای سلامت روح و روان خانواده‌ها پیشنهاد داد که البته تمام اینها نیازمند بسترسازی علمی و دینی بین مشاوران و کارشناسان فعال در حوزه روانشناسی خانواده است.

۷.۳. الزامی کردن آموزش پیش از ازدواج در قالب طرح قانونی

براساس تحلیل فوق می‌توان گفت آموزش و مشاوره پیش از ازدواج، تأثیر زیادی در پیشگیری از وقوع طلاق دارد. بنابراین ایده تدوین پیش‌نویس طرحی قانونی مبنی بر الزامی شدن آموزش پیش از ازدواج به متقاضیان ازدواج جهت ارائه به مجلس شورای اسلامی شکل گرفت. به منظور بررسی ابعاد و الزامات تدوین چنین قانونی علاوه بر بررسی مطالعات تحقیقات انجام‌شده، مصاحبه‌هایی نیز با استادان و صاحب‌نظران حوزه خانواده، حقوق، جامعه‌شناسی و ... صورت گرفت. محتوای مباحث ارائه‌شده در مصاحبه‌ها، از طریق تکنیک تحلیل محتوا بازآرایی شد که در ادامه ارائه خواهد شد.

(د) شاه‌سیاه، مرضیه، (پاییز ۱۳۸۸)، «بررسی رابطه رضایت جنسی و تعهد زناشویی زوجین شهرستان شهرضا»، مجله علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی، سال یازدهم، شماره ۳ (پیاپی ۴۳).

(ه) موحد، مجید و همکاران، (تابستان ۱۳۹۰)، «مطالعه رابطه رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران»، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۹، شماره ۲.

۷.۴. چالش‌های تدوین قانون الزامی شدن آموزش پیش از ازدواج

۷.۴.۱. تأمین مالی طرح

شاید یکی از مهم‌ترین چالش‌های قانون الزامی شدن آموزش پیش از ازدواج و به‌طور کلی طرح‌هایی که در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی ارائه می‌شود، بحث تأمین هزینه‌ها و اعتبارات مورد نیاز اجرای قانون باشد؛ چراکه معمولاً حوزه فرهنگ، بیش از آنکه درآمدزا باشد، هزینه‌زاست. ازسوی دیگر براساس اصل ۷۵ قانون اساسی، «طرح‌های قانونی و پیشنهادها و اصلاحاتی که نمایندگان درخصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد». پس ارائه چنین طرحی نیازمند پیش‌بینی محل تأمین اعتبارات مورد نیاز می‌باشد. به‌منظور تأمین هزینه‌های طرح، سه راهکار می‌توان ارائه نمود:

الف) پیش‌بینی اعتبارات مورد نیاز در بودجه‌های سنواتی دستگاه‌های اجرایی؛

ب) برگزاری دوره‌های آموزشی مبتنی بر تعرفه پرداختی از سوی مردم؛

ج) عدم ایجاد ساختار جدید و استفاده از ظرفیت‌های موجود.

راهکار اول اجرایی نخواهد بود؛ به‌ویژه در وضعیت فعلی که دولت‌ها همواره با کسری بودجه مواجه شده و تمایلی برای افزایش تعهدات مالی خود ندارند. هرچند اگر متولیان برنامه‌ریزی به نقش پیشگیری در کاهش دیگر هزینه‌های دولت، البته در بلندمدت، اهمیت بیشتری دهند، قطعاً هزینه کردن در حوزه فرهنگ نه تنها هزینه‌زا تلقی نمی‌شود، بلکه نوعی سرمایه‌گذاری سودآور خواهد بود؛ چه‌اینکه بدیهی است تحکیم خانواده‌ها و کاهش نرخ طلاق بسیاری از جرایم و ناهنجاری‌هایی مانند اعتیاد و بزهکاری جوانان را که دولت‌ها بودجه‌های بسیاری جهت مقابله با آنها هزینه می‌کنند، کاهش می‌دهد. ضمن اینکه به اعتقاد بعضی از صاحب‌نظران غالباً برنامه‌های

رایگان اثربخشی کمی بر مخاطب خواهد داشت. به هر حال در وضعیت فعلی این راهکار پاسخگو نخواهد بود.

مورد دوم نیز هرچند ظاهراً آسان‌تر از راهکار اول است، اما به چند نکته باید توجه کرد. اول اینکه اجرای چنین قانونی به اقدامات اولیه‌ای نیاز دارد که قبل از ارائه آموزش‌ها به جامعه هدف، لازم است که انجام شود و البته هزینه‌بر است؛ لذا از طریق تعرفه پرداختی از سوی شرکت‌کنندگان در دوره‌های آموزشی قابل تأمین نیست؛ مانند اقدامات اولیه جهت تدوین محتویات آموزشی، تربیت مربی و استاد دوره‌های آموزشی.

نکته دوم اینکه از آنجایی که هنوز اهمیت و ضرورت آموزش مهارت‌های زندگی برای زوجین مشخص نشده است، پرداخت هزینه به صورت اجباری بازتاب منفی بر ذهن افراد برجای خواهد گذاشت که بالطبع باعث کاهش کارایی و اثربخشی آموزش‌ها می‌گردد.

در راهکار سوم، ساختار و نهاد جدیدی ایجاد نمی‌شود، بلکه از ظرفیت‌های موجود مانند مراکز بهداشت استفاده می‌شود. شایان ذکر است در حال حاضر کلیه افراد متقاضی ازدواج موظف هستند ضمن حضور در مراکز بهداشت و انجام آزمایش پزشکی، در یک کلاس آموزشی دوساعته نیز شرکت کنند. می‌توان با افزایش زمان کلاس‌ها و غنی‌تر کردن محتوا، آموزش‌های مورد نیاز را به مخاطبان ارائه داد. درحقیقت در این راهکار بخشی از هزینه‌ها توسط دولت تأمین می‌شود و بخشی نیز از طریق هزینه ناچیزی که توسط مردم پرداخت می‌شود. اما این راهکار نیز با مشکلاتی روبروست. اول اینکه متولی مراکز بهداشت وزارت بهداشت است. این وزارتخانه اولویت اصلی خود را سلامت جسم قرار داده است؛ درحالی‌که موضوع آموزش مهارت زندگی به سلامت روان مربوط می‌شود؛ پس در مرحله اجرا اثربخشی لازم را نخواهد داشت.

دومین مشکل این راهکار نیز فضای نامناسب این مرکز، هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی، جهت ارائه آموزش مهارت زندگی به زوجین است. با تمام اینها به نظر می‌رسد بهترین راهکار اجرایی و عملیاتی مواجهه با چالش تأمین مالی، استفاده از راهکار دوم به صورت تعدیل شده است؛ یعنی برگزاری دوره‌های آموزشی مبتنی بر تعرفه‌های پرداختی از سوی مردم با لحاظ این نکته که سازوکارهایی اتخاذ شود که اولاً این هزینه حداقل شود، ثانیاً ضرورت آن برای افراد تأمین گردد.

۷.۴.۲. جامع نبودن و اثربخش نبودن آموزش هنگام ازدواج

یکی از اشکالات مورد اشاره استادان در بیشتر گفتگوها، جامع و اثربخش نبودن آموزش مهارت زندگی در هنگام آستانه ازدواج است؛ زیرا هریک از زوجین به دلیل هیجان ناشی از ورود به دوره جدیدی از زندگی، دقت و وقت کافی جهت دریافت آموزش‌ها صرف نمی‌کنند.

دلیل دیگری که نامناسب بودن زمان آستانه ازدواج را نشان می‌دهد، تبعات اخلاقی ناشی از آموزش مسائل خاص جنسی به افرادی است که هنوز به یکدیگر محرم نشده‌اند. درخصوص اشکال اول، راهکاری که می‌توان ارائه داد، گسترش سطوح آموزش‌ها به مدارس، دانشگاه‌ها و حتی دوره سربازی و دیگر موارد است. اشکال دوم را نیز می‌توان با تفکیک آموزش مسائل جنسی و دیگر مهارت‌های زندگی و انتقال زمان این آموزش‌ها به پس از ثبت عقد رفع نمود.

۷.۴.۳. عدم پذیرش از سوی جامعه هدف

چالش سومی که موضوع الزامی شدن آموزش پیش از ازدواج با آن مواجه است، پذیرش چنین اقدامی از سوی جامعه است. بدیهی است چنانچه مخاطبان یک قانون اعتقادی به آن نداشته باشند یا آن را مفید ندانند، اثربخشی آن کاهش خواهد یافت و افراد را به دور زدن قانون سوق می‌دهد. ازسوی دیگر ذات قانون الزام‌آور است و حتی اگر مخاطب آن را نپذیرد نیز باید از آن تمکین کند.

به منظور غلبه بر این چالش باید الزام قانون را با فرهنگ‌سازی همگام ساخت. به عبارت دیگر هم‌زمانی اقدام سلبی با اقدام ایجابی؛ یعنی از یک‌سو از ثبت رسمی ازدواج‌های فاقد گواهی دوره آموزش‌های مهارت زندگی خودداری ورزید، از سوی دیگر اقدامات تشویقی و ترویجی صورت داد؛ چراکه یکی از راهکارهای اصلی در ایجاد پذیرش در مخاطب نسبت به این قانون، فرهنگ‌سازی این امر است که از دو طریق ممکن است: الف) استفاده از سازوکارهای تشویقی: دولت می‌تواند با استفاده از سیستم‌های تشویقی مانند اعطای وام‌های قرض‌الحسنه، مسکن استیجاری، بن‌های خرید کالا و خدمات تشویقی دیگر، زوجین را به شرکت در دوره‌های آموزش مهارت‌های زندگی ترغیب کند. ب) استفاده از ظرفیت رسانه: نهادهای فرهنگ‌ساز مانند رسانه‌ها، نهادهای متولی اعزام مبلغ دینی، آموزش و پرورش، و آموزش عالی می‌توانند نقش بسزایی در تبیین ضرورت و فواید آموزش‌های پیش از ازدواج میان خانواده‌ها و نشان دادن نادرست بودن این تصور ایفا کنند که مشاوره فقط برای کسانی است که مشکل دارند، تا خانواده‌ها به این درک برسند که هر قدر بحث آموزش و مشاوره قبل از ازدواج را جدی بگیرند، به همان میزان آسیب‌ها و اختلافات زندگی کمتر شده و آمار طلاق در خانواده‌ها کاهش پیدا خواهد کرد.

۷.۴.۴. اجرای نبودن قانون

فارغ از اینکه یک قانون مورد پذیرش جامعه قرار گیرد یا نگیرد، باید اجرایی نیز باشد؛ یعنی در عمل قابلیت اجرا داشته باشد. برای اینکه قانون الزامی شدن آموزش پیش از ازدواج قابلیت اجرا پیدا کند، سه نکته را باید رعایت نمود:

الف) آماده‌سازی بسترها: به اعتقاد بیشتر کارشناسان و صاحب‌نظران، در حال حاضر زیرساخت و زمینه انجام این کار از جهت بودجه، کارشناس و محتوا در کشور وجود ندارد. به عبارت دیگر به لحاظ اجرایی بسترهای اجرای این قانون عبارتند از: مربی، محتوا و مکان. آموزش مهارت‌های زندگی نیازمند مربیانی است که

در قالب برگزاری دوره‌های آموزشی در مکان مشخصی، محتوا را که همان مهارت‌های زندگی می‌باشد، به مخاطبان ارائه دهند. به نظر می‌رسد در حال حاضر چنین بسترهایی وجود ندارد و امکان اجرای این طرح در وضعیت فعلی کشور به صورت فراگیر نیست. از این رو اولاً باید این طرح به صورت آزمایشی و در چند شهر که امکانات نسبی در آنها وجود داشته و از لحاظ آمار طلاق نیز مشکلات بیشتری دارند، اجرا گردد و از سوی دیگر باید سرمایه‌گذاری عظیمی در کشور صورت گیرد تا از لحاظ نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، شرایط انجام این طرح مهیا شود. ب) محدود کردن سطح الزام: آموزش‌های مورد نیاز برای برخورداری از یک زندگی پایدار، سطوح مختلفی را شامل می‌شود؛ از آموزش مهارت‌های اصلی اولیه گرفته تا مشاوره‌های تخصصی. بین آموزش و مشاوره باید تفکیک قائل شد. منظور از آموزش، ارائه مهارت‌های زندگی مانند مهارت‌های انتخاب همسر، همسرمداری، ارتباط زناشویی، تکنیک‌های حل مسئله و مانند آن به متقاضیان ازدواج می‌باشد که به صورت گروهی و در قالب کلاس‌های آموزشی برگزار می‌شود. اما مشاوره عبارت است از اخذ نظر مشاور خانواده در خصوص مناسب بودن یا نبودن ازدواج افراد متقاضی ازدواج که به صورت فردی ارائه می‌گردد. بدیهی است الزامی شدن آموزش بسیار آسان‌تر و عملیاتی‌تر از مشاوره است؛ چراکه اجباری نمودن مشاوره، الزامات بسیاری دارد که تمهید آنها زمان و هزینه بسیاری می‌طلبد.

ج) اجرای تدریجی قانون: همچنان‌که اشاره شد، آموزش را می‌توان الزامی کرد، اما مشاوره را نمی‌توان. با وجود این حتی الزامی شدن آموزش در کل کشور نیز الزامات بسیاری دارد. در حال حاضر شاید بتوان در بخش‌هایی از کشور این آموزش‌ها را ارائه داد، اما یقیناً برگزاری دوره‌های آموزش در کل کشور زمان زیادی نیاز دارد تا بسترهای آن اعم از مربی، محتوا و مکان تأمین شود. لذا باید این قانون را صرفاً در مناطقی که این بسترها فراهم است، اجرا کرد و به تدریج که در مناطق مختلف کشور، بسترهای اجرای قانون فراهم می‌شود، گذراندن این دوره‌ها الزامی گردد.

۷.۴.۵. سخت تر شدن فرایند ازدواج

یکی از اشکالات وارد به این طرح، این است که در حال حاضر با کاهش رشد جمعیت مواجه هستیم و نرخ ازدواج به دلیل سنگین بودن هزینه‌ها، با کاهش مواجه می‌باشد. افزودن هزینه دیگری به هزینه‌های ازدواج نه عقلانی است و نه به دلیل تأخیر در ثبت عقد ازدواج، شرعی؛ چراکه مذاق شریعت، تسهیل در ازدواج و سختگیری در طلاق است؛ چنان‌که در طلاق وجود شاهد شرط است، ولی در ازدواج نیاز نیست. پس به هر شکل ممکن باید ازدواج را تسهیل نمود، نه اینکه مانع دیگری بر سر راه آن قرار داد.

در پاسخ باید گفت هزینه ناشی از چنین طرحی در مقایسه با منافع آن، قابل توجه نیست. علاوه بر این می‌توان با اتخاذ تدابیری، هزینه و زمان برگزاری این دوره‌های آموزشی را کاهش داد؛ مانند برگزاری دوره‌ها به صورت گروهی. در این صورت هزینه کل دوره سرشکن شده و سرانه هر زوج مقدار بسیار کمی می‌شود که در مقایسه با بسیاری از هزینه‌های غیر ضروری که در مراسم ازدواج صورت می‌گیرد، ناچیز است. لذا عقلانی و منطقی بودن چنین طرحی روشن است. در خصوص غیر شرعی بودن این کار نیز باید گفت که در این طرح، ثبت عقد رسمی و قانونی ازدواج به ارائه گواهی آموزش منوط شده است و نه عقد شرعی. یعنی زوجین می‌توانند به عقد یکدیگر دربیایند، اما ثبت عقد در دفاتر اسناد رسمی نیازمند گواهی است.

۷.۴.۶. عدم ضمانت اجرا

هر قانونی نیازمند ضمانت اجراست. در خصوص این طرح، چند نوع ضمانت اجرا می‌توان پیش‌بینی کرد؛ مانند الزام نهاد متولی قانون به ارائه گزارش هر شش ماه یکبار به کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی یا الزام به انتشار گزارش عملکرد در روزنامه رسمی.

با وجود این بهترین ضمانت اجرا، ایجاد باور درونی نهادها و مسئولان متولی قانون نسبت به ضروری بودن چنین قانونی به منظور حفظ نهاد خانواده در جامعه است.

۷.۴.۷. عدم تطابق محتوای آموزش‌های ارائه‌شده با فرهنگ اسلامی ایرانی

همواره یکی از دغدغه‌های صاحب‌نظران، به‌ویژه صاحب‌نظران دینی، عدم تناسب و تطابق بین محتواهای ارائه‌شده در دوره‌های آموزشی، با آموزه‌های دینی و سنت‌های بومی ایران است. آنچه اهمیت این موضوع را دوچندان می‌کند، تناقض الگوها و روش‌های موجود درخصوص نحوه و محتوای آموزش مهارت‌های زندگی در دنیا با آموزه‌های دینی است؛ مانند آموزه‌های ناظر به فرزندآوری یا نوع آموزش مسائل جنسی و زناشویی. چون هنوز الگوی جایگزینی تدوین نشده است، احتمال بروز چنین تناقض‌هایی در عمل وجود دارد. به‌منظور مواجهه با این چالش چندین استراتژی را می‌توان اتخاذ نمود:

۷.۴.۷.۱. محور قراردادن آموزه‌های دینی در تولید محتوا

یکی از راهکارهای اشرا ب آموزه‌های دینی در محتوای آموزش‌ها، استفاده از ظرفیت‌های حوزه علمیه است. جهت تولید محتوا و تأمین مربی و کارشناس مورد نیاز، می‌توان از ظرفیت حوزه علمیه به‌منظور اشرا ب معارف و آموزه‌های دینی در فرایند آموزش و مشاوره ازدواج استفاده نمود. البته نقش جدی حوزه نباید به معنای عدم استفاده از علوم جدید در حوزه‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی تعبیر شود. ازاین‌رو شایسته است دولت مکلف شود با همکاری حوزه علمیه و سازمان نظام مشاوره و روان‌شناسی، در یک زمان‌بندی مشخص، مربیان دینی متخصص و آشنا به مباحث روان‌شناسی تربیت کند.

۷.۴.۷.۲. تفکیک میان آموزش مهارت‌های زندگی و مهارت‌های جنسی

چند مهارت اساسی در بحث زندگی و خانواده مورد نظر است؛ مانند مدیریت احساسات و خشم، خودآگاهی، مدیریت استرس، مهارت ارتباط مؤثر، مهارت انتخاب همسر، مهارت همسررداری، مهارت تربیت فرزند. البته در کنار اینها یک‌سری مهارت‌های فرعی نیز وجود دارد؛ مثل مهارت تنظیم اقتصاد خانواده. در

آموزش این مهارت‌ها تفاوت چندانی در مرد یا زن بودن مخاطب وجود ندارد؛ اما مهارت جنسی و نحوه برقراری روابط زناشویی، اقتضائات خاصی دارد. اهمیت آموزش این مهارت شاید از بقیه مهارت‌ها بیشتر باشد؛ چراکه این بحث در قوام و تحکیم خانواده‌ها و پیشگیری از طلاق مؤثر است و بخشی از نارضایتی‌های خانواده‌ها به این رابطه خاص برمی‌گردد. تحقیقات نیز این مطلب را تأیید می‌کند. برای نمونه تحقیقی با عنوان تأثیر روابط جنسی زوجین بر طلاق در مرکز درمان ناباروری ابن سینا انجام شد. این تحقیق بر روی ۸۰۰ زوج در حال طلاق و ۸۰۰ زوج مشغول زندگی عادی در چهار استان لرستان، قم، اصفهان و فارس به‌عنوان جمعیت هدف صورت گرفت. نتایج این تحقیق از این قرار گزارش شده است: «۹۷ درصد زوجین گفته‌اند برای طرح مشکلات جنسی با همسرشان دچار مشکل هستند. ۶۰ درصد آنها اعلام کرده‌اند، هیچ مرکزی برای رفع مشکلاتشان نمی‌شناسند و ۸۶ درصد آنها که صاحب فرزند بوده‌اند، اعلام کرده‌اند هیچگاه با فرزندشان در رابطه با مسائل جنسی صحبت نمی‌کنند. علاوه بر آنکه ۷۱ درصد زوجین اعلام کرده‌اند که هیچگاه درباره مسائل زناشویی آموزشی ندیده‌اند».

آنچه اهمیت آموزش مهارت جنسی در جامعه ما را دوچندان می‌کند، این است که از آنجاکه در جامعه اسلامی هرچیزی که مفهوم بی‌عفتی در آن وجود داشته باشد، نباید ترویج داده شود، افراد تا قبل از ازدواج هیچ آگاهی نسبت به مسائل جنسی نخواهند داشت. از این‌رو یک جوان در زمان ورود به زندگی، آگاهی‌های مورد نیاز برای این مسئله را ندارد. درحالی‌که در روایات اهل‌بیت (ع) به‌کرات به آموزش مسائل جنسی اشاره شده است. با تمام اینها باید دقت بیشتری در نحوه و زمان ارائه این آموزش‌ها کرد. درخصوص زمان، مناسب‌تر این است که آموزش‌های جنسی پس از ثبت عقد و قبل از تحویل سند ازدواج صورت گیرد. درباره نحوه آموزش‌ها نیز باید به دو نکته توجه داشت: اول آنکه توسط کارشناسان متخصص و متعهد و متشرع انجام شود؛ دوم درصورت نیاز، میان مردان و زنان تفکیک نمود.

۷.۴.۷.۳. لحاظ اقتضائات دینی، مذهبی، قومی، جغرافیایی و...

ایران از جمله کشورهای متکثر و برخوردار از ویژگی گوناگونی است. گوناگونی در ایران شامل همه ابعاد تنوع و تمامی انواع گوناگونی است. به عبارت دیگر خود گوناگونی در ایران گوناگون است. ایران در مقایسه با دویست کشور یا واحد جغرافیایی سیاسی جهان، به طور نسبی از بیشترین گوناگونی‌ها برخوردار است. لذا توجه به تنوع فرهنگی موجود در کشور و اجتناب از تجویز نسخه واحد برای تمام اقشار و گروه‌ها ضروری است.

راهکاری که جهت مواجهه با این چالش می‌توان ارائه نمود، پیش‌بینی کمیته‌ای در هر استان جهت لحاظ اقتضائات دینی، مذهبی، قومی، جغرافیایی و ... در صورت نیاز است.

۸. پیش‌نویس طرح الزامی‌شدن آموزش پیش از ازدواج

براساس مطالعات انجام‌شده و گفتگوهای صورت‌گرفته با استادان که خلاصه‌ای از نتایج آن در سطور فوق ارائه شد، محققان، پیش‌نویس طرحی را آماده کرده‌اند که براساس آن متقاضیان ازدواج قبل از ثبت رسمی عقد ازدواج خود در دفاتر اسناد رسمی، ملزم به گذراندن آموزش‌هایی باشند که در قالب دوره‌های آموزشی و به صورت گروهی برگزار می‌شود. قبل از اینکه متن پیش‌نویس ارائه شود، ابتدا سوابق این موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد. این سوابق در دو بخش ارائه می‌گردد. بخش اول شامل تلاش‌هایی است که افراد یا نهادهای مختلف طی سال‌های اخیر در زمینه الزامی‌شدن آموزش پیش از ازدواج صورت داده‌اند، اما به نتیجه نرسیده است. بخش دوم نیز مستندات قانونی است که به لحاظ حقوقی، الزامی‌شدن آموزش پیش از ازدواج را تأیید می‌کند.

۸.۱. پیشینه قانونی

تاکنون نهادهای مختلفی سعی کرده‌اند طرح‌ها یا برنامه‌هایی در زمینه آموزش یا مشاوره ازدواج ارائه یا اجرا کنند؛ ولی به دلایل مختلف به نتیجه نرسیده است. در

اینجا به دنبال آسیب شناسی عدم موفقیت این تلاش ها نیستیم و صرفاً به صورت خلاصه به آنها اشاره می کنیم. این اقدامات را می توان در جدول زیر مشاهده نمود:

ردیف	عنوان اقدام	سال	دستگاه مربوطه
۱	طرح تشکیل مراکز تخصصی مشاوره خانواده	۱۳۸۳	کمیسیون قضایی مجلس
۲	طرح اجباری شدن آموزش ازدواج در ۳ سطح پیش از ازدواج (در سنین مدرسه و دانشگاه)، هنگام ازدواج و پس از ازدواج	۱۳۸۷	از سوی دفتر آسیب های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور به کمیسیون اجتماعی مجلس ارائه شد
۳	طرح منوط نمودن ثبت ازدواج به سپری کردن ۱۶ ساعت آموزش	۱۳۸۹	پیشنهاد سازمان ملی جوانان
۴	لایحه تشکیل ستاد پیشگیری از طلاق	۱۳۹۱	پیشنهاد مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری
۵	طرح مشاوره قبل از ازدواج	۱۳۹۳	کمیسیون بهداشت مجلس
۶	طرح جمعیت و تعالی خانواده ماده ۲، ماده ۳ و ماده ۵	۱۳۹۳	الزام وزارتخانه های آموزش و پرورش و بهداشت و علوم به ارائه آموزش در مدارس و دانشگاه ها الزام وزارتخانه های بهداشت، ورزش و جوانان به ارائه آموزش حین و پس از ازدواج
۷	لایحه بیمه مشاوره خانواده	۱۳۹۴	معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری

جدول شماره ۳: پیشنهاد طرح ها و ایده های ارائه شده درخصوص الزامی شدن آموزش

۸.۲. مستندات قانونی

تاکنون قوانین نسبتاً زیادی در زمینه موضوع آموزش و مشاوره ازدواج تدوین شده است؛ اما عمده آنها یا در حد سیاست کلی بودند که بر ضرورت کار تأکید ورزیده و لازم است به قانون عادی تبدیل شوند یا قوانینی بودند که مخاطب آنها دستگاه‌های اجرایی بود و این دستگاه‌ها را به ایجاد مراکز مشاوره مکلف می‌کردند، نه آموزش. لذا خلأ قانونی در زمینه الزامی شدن آموزش قبل از ازدواج مشهود است. این قوانین عبارتند از:

۸.۲.۱. سیاست‌های کلی خانواده ابلاغی مقام معظم رهبری ۱۳۹۵

خانواده واحد بنیادی و سنگ‌بنای جامعه اسلامی و کانون رشد و تعالی انسان و پشتوانه سلامت و بالندگی و اقتدار و اعتلای معنوی کشور و نظام است و سمت و سوی حرکت نظام باید معطوف باشد به:

۱. ایجاد جامعه‌ای خانواده‌محور و تقویت و تحکیم خانواده و کارکردهای اصلی آن بر پایه الگوی اسلامی خانواده به‌عنوان مرکز نشو و نما و تربیت اسلامی فرزندان و کانون آرامش‌بخش.

۲. محور قرار گرفتن خانواده در قوانین و مقررات، برنامه‌ها، سیاست‌های اجرایی و تمام نظامات آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، به‌ویژه نظام مسکن و شهرسازی.

۳. برجسته کردن کارکردهای ارتباط خانواده و مسجد برای حفظ و ارتقای هویت اسلامی و ملی و صیانت از خانواده و جامعه.

۴. ایجاد نهضت فراگیر ملی برای ترویج و تسهیل ازدواج موفق و آسان برای همه دختران و پسران و افراد در سنین مناسب ازدواج و تشکیل خانواده و نفی تجرد در جامعه با وضع سیاست‌های اجرایی و قوانین و مقررات تشویقی و حمایتی و فرهنگ‌سازی و ارزش‌گذاری به تشکیل خانواده متعالی براساس سنت الهی.

۵. تحکیم خانواده و ارتقای سرمایه اجتماعی آن بر پایه رضایت و انصاف، خدمت و احترام و مودت و رحمت با تأکید بر:
 - به‌کارگیری یکپارچه ظرفیت‌های آموزشی، تربیتی و رسانه‌ای کشور در جهت تحکیم بنیان خانواده و روابط خانوادگی.
 - فرهنگ‌سازی و تقویت تعاملات اخلاقی.
 - مقابله مؤثر با جنگ نرم دشمنان برای فروپاشی و انحراف روابط خانوادگی و رفع موانع و زدودن آسیب‌ها و چالش‌های تحکیم خانواده.
 - ممنوعیت نشر برنامه‌های مخل ارزش‌های خانواده.
 - ایجاد فرصت برای حضور مفید و مؤثر اعضای خانواده در کنار یکدیگر و استفاده مؤثر خانواده از اوقات فراغت به‌صورت جمعی.
۶. ارائه و ترسیم الگوی اسلامی خانواده و تقویت و ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی از طریق:
 - ترویج ارزش‌های متعالی و سنت‌های پسندیده در ازدواج و خانواده.
 - پررنگ کردن ارزش‌های اخلاقی و زدودن پیرایه‌های باطل از آن.
 - مبارزه با اشرافیت و تجمل‌گرایی و مظاهر فرهنگ غرب.
 - اصلاح رفتار گروه‌های مرجع و برجسته‌سازی رفتارهای شایسته آنها و جلوگیری از شکل‌گیری گروه‌های مرجع ناسالم.
۷. بازنگری، اصلاح و تکمیل نظام حقوقی و رویه‌های قضایی در حوزه خانواده متناسب با نیازها و مقتضیات جدید و حل‌وفصل دعاوی در مراحل اولیه توسط حکمیت و تأمین عدالت و امنیت در تمامی مراحل انتظامی، دادرسی و اجرای احکام در دعاوی خانواده با هدف تثبیت و تحکیم خانواده.
۸. ایجاد فضای سالم و رعایت روابط اسلامی زن و مرد در جامعه.
۹. ارتقای معیشت و اقتصاد خانواده‌ها با توانمندسازی آنان برای کاهش دغدغه‌های آینده آنها درباره اشتغال، ازدواج و مسکن.

۱۰. ساماندهی نظام مشاوره‌ای و آموزش قبل، حین و پس از تشکیل خانواده و تسهیل دسترسی به آن براساس مبانی اسلامی - ایرانی در جهت استحکام خانواده.
۱۱. تقویت و تشویق خانواده در جهت جلب مشارکت خانواده برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های کشور در همه عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و دفاعی.
۱۲. حمایت از عزت و کرامت همسری، نقش مادری و خانه‌داری زنان و نقش پدری و اقتصادی مردان و مسئولیت تربیتی و معنوی زنان و مردان و توانمندسازی اعضای خانواده در مسئولیت‌پذیری، تعاملات خانوادگی و ایفای نقش و رسالت خود.
۱۳. پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و عوامل تزلزل نهاد خانواده، به‌ویژه موضوع طلاق و جبران آسیب‌های ناشی از آن با شناسایی مستمر عوامل طلاق و فروپاشی خانواده و فرهنگ‌سازی کراهت طلاق.
۱۴. حمایت حقوقی، اقتصادی و فرهنگی از خانواده‌های با سرپرستی زنان و تشویق و تسهیل ازدواج آنان.
۱۵. اتخاذ روش‌های حمایتی و تشویقی مناسب برای تکریم سالمندان در خانواده و تقویت مراقبت‌های جسمی و روحی و عاطفی از آنان.
۱۶. ایجاد سازوکارهای لازم برای ارتقای سلامت همه‌جانبه خانواده‌ها، به‌ویژه سلامت باروری و افزایش فرزندآوری در جهت برخورداری از جامعه جوان، سالم، پویا و بالنده.

۸.۲.۲. سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغی مقام معظم رهبری ۱۳۹۳

- بند ۴. تحکیم بنیان و پایداری خانواده با اصلاح و تکمیل آموزش‌های عمومی درباره اصالت کانون خانواده و فرزندپروری و با تأکید بر آموزش مهارت‌های زندگی و ارتباطی و ارائه خدمات مشاوره‌ای بر مبنای فرهنگ و ارزش‌های اسلامی - ایرانی و توسعه و تقویت نظام تأمین اجتماعی، خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی در جهت سلامت باروری و فرزندآوری.

۸.۲.۳. نقشه مهندسی فرهنگی کشور

راهبرد کلان ۳: تبیین، تشکیل، تحکیم، تعالی و ایمن‌سازی خانواده.

بند ۱۱. تدوین منشور مشاوره خانواده و توسعه کمی، ارتقای کیفی و اصلاح، ساماندهی و نظارت و پایش مراکز مشاوره ازدواج و خانواده و خدمات اجتماعی مبتنی بر مبانی، روش‌ها و فنون اسلامی مشاوره.

۸.۲.۴. قانون تسهیل ازدواج جوانان مصوب ۱۳۸۴

ماده ۸ - دولت موظف است طرح جامع آموزش و مشاوره قبل و بعد از ازدواج مشتمل بر برنامه‌های: مشاوره برای همسریابی، تشکیل خانواده، آماده‌سازی زوج‌های جوان برای آغاز زندگی مشترک، آشنایی با حقوق خانوادگی و اخلاق همسرمداری و آمادگی برای داشتن فرزند را تهیه و ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون، به مجلس ارائه دهد.

۸.۲.۵. قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران

ماده ۴۳: به منظور ساماندهی و اعتباربخشی مراکز مشاوره متناسب با فرهنگ اسلامی - ایرانی و با تأکید بر تسهیل ازدواج جوانان و تحکیم بنیان خانواده، تأسیس مراکز و ارائه هرگونه خدمات مشاوره‌ای روان‌شناختی - اجتماعی نیازمند اخذ مجوز براساس آیین‌نامه مصوب هیئت وزیران است.

۸.۲.۶. قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱

مواد ۱۶ و ۱۷: مواد ۱۶ و ۱۷ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۲ تأسیس «مراکز مشاوره خانواده» را پیش‌بینی کرده؛ ولی طبق ماده ۲۵ این قانون، ارجاع به مراکز مشاوره صرفاً در مورد طلاق‌های توافقی الزامی است. در قانون مذکور، الزامی برای آموزش‌های پیش از ازدواج در نظر گرفته نشده است؛ درحالی‌که ارائه آموزش مهارت‌های زندگی مشترک قبل از ازدواج، به متقاضیان ازدواج تأثیر بیشتری در تحکیم خانواده و کاهش نرخ طلاق خواهد داشت.

خلاصه سوابق قانونی فوق را می‌توان در جدول زیر مشاهده نمود:

ردیف	عنوان سند یا قانون	بخش	موضوع
۱	سیاست‌های کلی خانواده ابلاغی مقام معظم رهبری ۱۳۹۵		تمام بندها
۲	سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغی مقام معظم رهبری ۱۳۹۳	بند ۴	آموزش مهارت‌های زندگی و ارتباطی و ارائه خدمات مشاوره‌ای بر مبنای فرهنگ و ارزش‌های اسلامی - ایرانی
۳	نقشه مهندسی فرهنگی کشور مصوب ۱۳۹۱	راهبرد کلان ۳	تبیین، تشکیل، تحکیم، تعالی و ایمن‌سازی خانواده از طریق مراکز مشاوره ازدواج و خانواده
۴	قانون تسهیل ازدواج جوانان مصوب ۱۳۸۴	ماده ۸	الزام دولت به تدوین طرح جامع آموزش و مشاوره
۵	قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران	ماده ۴۳	الزام دولت به تأسیس مراکز مشاوره تدوین آیین‌نامه اجرایی
۶	قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۲	مواد ۱۶ و ۱۷	الزام به ارجاع طلاق‌های توافقی به مشاوره حین طلاق

جدول شماره ۴: سوابق قانون الزامی‌شدن آموزش پیش از ازدواج

متن پیش‌نویس طرح الزامی‌شدن آموزش پیش از ازدواج^۱

براساس مطالعات انجام‌شده و چالش‌هایی که شناسایی شد، ماده‌های تقنینی ذیل

در قالب طرح پیشنهاد می‌گردد:

۱. گفتنی است تا زمان تدوین این مقاله، پیش‌نویس فوق در مرحله ارائه به مجلس بوده؛ لذا نهایی نمی‌باشد.

مقدمه توجیهی

پیچیده‌تر شدن نیازهای خانواده و تغییرات گسترده در نظام ساختاری آن، لزوم توجه فزون‌تر به این نهاد مهم و اساسی را روزبه‌روز بیشتر نموده است. افزایش نرخ طلاق یکی از خطرهای است که ازسویی بنیان خانواده را تهدید می‌کند و ازسوی دیگر منجر به کاهش نرخ جمعیت می‌شود؛ درحالی‌که باتوجه به سیاست‌های ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری در راستای افزایش جمعیت، نیازمند اقداماتی هستیم که خانواده متعالی و جمعیت کیفی را محقق سازد. باتوجه به نقش مشاوره و آموزش مهارت‌های زندگی زناشویی در کاهش اختلافات خانوادگی و به تبع آن، کاهش نرخ طلاق، لازم است گذراندن دوره‌های مشاوره و آموزش قبل از ازدواج برای زوجین الزامی شود.

البته هرچند قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ تأسیس مراکز مشاوره را پیش‌بینی نموده، اما طبق ماده ۲۵ این قانون، ارجاع به مشاوره صرفاً در مورد طلاق‌های توافقی الزامی است؛ لذا مرحله پیش از ازدواج را شامل نمی‌شود. ضمن اینکه بحث آموزش غیر از بحث مشاوره است؛ ازاین‌رو پیشنهاد می‌شود آموزش مهارت‌های زندگی به متقاضیان ازدواج الزامی گردد. بدیهی است جهت عمق‌بخشی به تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده و نهادینه کردن این مسئله مهم در اذهان جوانان و نوجوانان، آموزش همگانی از طریق آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و رسانه‌های عمومی نیز ضروری به نظر می‌رسد.

طرح الزامی شدن آموزش و مشاوره خانواده

ماده ۱ - تعاریف:

آموزش: منظور از آموزش در این قانون، آموزش مهارت‌های زندگی شامل مهارت‌های انتخاب همسر، همسرداری، ارتباط زناشویی، تکنیک‌های حل مسئله و مانند آن می‌باشد که به متقاضیان ازدواج ارائه می‌شود.

مشاوره: مشاوره عبارت است از اخذ نظر مشاور خانواده درخصوص مناسب بودن یا نبودن ازدواج افراد متقاضی ازدواج.

سازمان: منظور از سازمان در این قانون سازمان بهزیستی می‌باشد.

ماده ۲ - یک سال پس از ابلاغ این قانون، ثبت نکاح دائم در دفاتر ازدواج در کلان‌شهرها، منوط به ارائه گواهی گذراندن دوره‌های آموزش قبل از ازدواج است. دفاتر ثبت ازدواج موظف هستند از ثبت ازدواج‌های فاقد گواهی مذکور، خودداری کنند.

تبصره: حکم این ماده حداکثر سه سال پس از ابلاغ قانون در کلیه مراکز استان‌ها و حداکثر پنج سال پس از ابلاغ قانون در کل کشور لازم‌الاجرا می‌باشد. دولت موظف است اقدامات لازم جهت اجرای این ماده را در بودجه‌های سنواتی پیش‌بینی کند.

ماده ۳ - سازمان مکلف است دوره‌های آموزشی، موضوع ماده ۱ را متناسب با فرهنگ اسلامی - ایرانی به متقاضیان ازدواج ارائه نماید. این آموزش‌ها به‌صورت گروهی ارائه می‌شود.

تبصره ۱: هزینه تأمین زیرساخت‌های اجرای قانون، شامل تولید محتوا و تربیت مربی آموزش، در چارچوب بودجه‌های سنواتی و هزینه برگزاری دوره‌های مذکور، از محل تعرفه پرداختی از سوی شرکت‌کنندگان در دوره آموزشی تأمین می‌شود.

تبصره ۲ - سازمان مکلف است با همکاری حوزه‌های علمیه و سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره، اقدامات لازم جهت تأمین زیرساخت‌های مورد نیاز اجرای قانون اعم از تولید محتوای اسلامی ایرانی، برگزاری دوره‌های تربیت مربی برای متقاضیان واجد شرایط و مانند آن را انجام دهد؛ به‌گونه‌ای که در تمامی مناطق کشور امکان برگزاری دوره‌های آموزش فراهم شود.

تبصره ۳ - در مناطقی که نیاز به در نظر گرفتن اقتضائات خاص فرهنگی، جغرافیایی و دینی در اجرای قانون باشد، ادارات کل بهزیستی استان‌ها می‌توانند با هماهنگی سازمان، تغییراتی در فرایند اجرا یا محتوای ارائه‌شده ایجاد نمایند.

ماده ۴ - سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره موظف است آزمون‌های مرتبط با زندگی مشترک را از متقاضیان ازدواج که در دوره‌های آموزش شرکت می‌کنند، به عمل آورد و در صورت نیاز، متقاضیان را به مشاوره توصیه نماید.

ماده ۵ - به منظور فرهنگ‌سازی، سازمان صداوسیما موظف است برنامه‌هایی با موضوع ضرورت آموزش و مشاوره قبل از ازدواج تولید و پخش کند.

ماده ۶ - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است یارانه کلیه رسانه‌های جمعی را که در حوزه‌های اجتماعی فعالیت می‌کنند، براساس میزان فعالیت آنها در حوزه خانواده و به‌ویژه موضوع آموزش و مشاوره پیش از ازدواج با رویکرد تعالی و استحکام خانواده و کاهش نرخ طلاق، ساماندهی نماید. آیین‌نامه اجرایی این ماده ظرف شش ماه از تصویب قانون توسط وزارت ارشاد تهیه و به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد.

ماده ۷ - سازمان موظف است هر شش ماه یک‌بار گزارش عملکرد خود را از میزان پیشرفت طرح و رصد روند کاهش نرخ طلاق، به کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی و روزنامه رسمی جهت انتشار ارائه کند.

ماده ۸ - آیین‌نامه‌های اجرایی مورد نیاز این قانون اعم از سرفصل‌های آموزشی، نحوه آموزش مهارت‌های زندگی، میزان تعرفه برگزاری دوره‌ها، ظرف شش ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون به‌وسیله سازمان تهیه شده و به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد.

منابع

قرآن کریم

۱. آقاجانگللو، سوسن و دیگران، (بهار ۱۳۹۲)، «بررسی رابطه کلاس‌های آموزش پیش از ازدواج و استحکام خانواده از دیدگاه زوجین در شهر بوشهر»، فصل‌نامه علوم اجتماعی - دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شوشتر - مصوب دانشگاه آزاد، سال ۷، پیاپی ۲۰.
۲. اورعی، غلامرضا، (۱۳۶۶)، بررسی مسائل اجتماعی ایران، تهران: خوشه.
۳. بختیاری، آمنه و سیده فاطمه محبی، (زمستان ۱۳۸۵)، «حکومت و زنان سرپرست خانوار»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۳۴.
۴. بیانات در دیدار اعضای شورای فرهنگی و اجتماعی زنان و مسئولان اولین کنگره حجاب اسلامی، ۱۳۷۰/۱۰/۰۴.
۵. پاینده، ابو القاسم، (۱۳۸۲)، نهج الفصاحة: مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص)، تهران: دنیای دانش، چاپ چهارم.
۶. جعفری، علیرضا، (زمستان ۱۳۸۸)، «بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی پیش از ازدواج بر افزایش رضایت زناشویی پس از ازدواج»، فصل‌نامه علوم رفتاری، دوره ۱، شماره ۲.
۷. جی. گود، ویلیام، (۱۳۵۲)، خانواده و جامعه، ترجمه ویدا ناصحی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۸. حسینی، سید مهدی، (۱۳۷۷)، مشاوره ازدواج، تهران: آوای نور.
۹. حکیمی، محمدرضا و محمد حکیمی و علی حکیمی، (۱۳۸۰)، الحیاة، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. شاهسیاه، مرضیه، (پاییز ۱۳۸۸)، «بررسی رابطه رضایت جنسی و تعهد زناشویی زوجین شهرستان شهرضا»، مجله علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی، سال یازدهم، شماره ۳ (پیاپی ۴۳).

۱۱. فاضل هندی، محمدبن حسن اصفهانی، (۱۴۱۶ق)، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، ۱۱ ج، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۲. فرجاد، محمدحسین، (۱۳۷۲)، آسیب شناسی اجتماعی، خانواده و طلاق، تهران: منصوری.
۱۳. کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: الإسلامية، چاپ چهارم.
۱۴. لعل بخش، پونه و دیگران، (زمستان ۱۳۹۰)، «بررسی اثربخشی آموزش مهارتهای پس از ازدواج بر افزایش رضایت زناشویی زوجین»، فصل نامه علوم رفتاری، دوره ۳، شماره ۱۰.
۱۵. محبی، فاطمه، (۱۳۸۰)، «آسیب شناسی اجتماعی زنان»، فصل نامه کتاب زنان، شماره ۱۲.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، ۲۸ ج، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ دهم.
۱۷. موحد، مجید و همکاران، (تابستان ۱۳۹۰)، «مطالعه رابطه رضایت مندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران»، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۹، شماره ۲.